

جوانان کمونیست ۷۷

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۲۵ بهمن ۱۳۸۱
۱۴ فوریه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت

باید جلوی جنگ آمریکا و کشتار مردم عراق را گرفت!

روز ۱۵ فوریه در اکثر شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا، مردم متمن علیه سیاست جنگطلبانه آمریکا تظاهرات میکنند.

هدف آمریکا تحمیل قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی خود به دنیای بعد از پایان جنگ سرد است، قدرتی که میخواهد به جهانیان نشان دهد که هر کجا و هر لحظه باید نگران ریخته شدن بمبهای آنها بر مدارس، خانه و بیمارستانهایشان باشند. باید جلوی جنگ آمریکا را گرفت.

مردم عراق قرار است قربانیان این سیاست ضد انسانی باشند. امروز عراق، فردا

واحدهای سازمان جوانان کمونیست در سراسر جهان با شرکت خود در این تظاهرات دست در دست بشریت مترقی و انساندوست میگذارند. همه جوانان و انسانهای آزادیخواه را دعوت به شرکت در این تظاهرات میکنیم.

نه به جنگ آمریکا علیه عراق!
زندگیاد آزادی و برابری انسانها!
زنده باد بشریت آزادیخواه!

سازمان جوانان کمونیست
۱۰ فوریه ۲۰۰۳



داشت، اکنون اکثریت عظیم زن و مرد این کره خاکی که چنین جنگهایی باید بردگی شان را در "نظم نوین جهانی" تضمین کند، کارگردند!
در ایران مهمترین وظیفه و فوری ترین درافزوده در قبال این نشانه های بیداری نوین جهانی، سرنگون کردن جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و حاکمیت بلافضل خود انسانها، خواهان حفظ وضعیت فعلی و مبارزه آرام و دیگری خواستار انقلاب طبقاتی با رهبری طبقه کارگر است. نوشته حاضر به بررسی وضعیت جامعه و ضرورت انقلاب طبقاتی می پردازد. صفحه ۳

بزرگترین تظاهرات تاریخ

فردا ۱۵ نوامبر در نقاط مختلف جهان و در اعتراض به جنگ تظاهراتی عظیم برپا میشود. میگویند که این بزرگترین تظاهرات سیاسی است که بشر تا کنون به خود دیده است. صرف روآوری روزافزون توده های مردم بویژه در کشورهای غربی به اعتراض علیه سرنوشت سیاهی که "نظم نوین" بوش ها و بلرها و شارون ها و صدام ها و خامنه ای ها و بن لادنها در برابر ما قرار داده اند، مایه امید و شور است.

اما این تحرک نوین سیاسی و جهانی رهبر میخواهد. ضد آمریکا گری، ناسیونالیسم جهان سوم، اروپا محوری، لیبرالیسم میان تهی و یا چپ های دوره جنگ سرد راه حلی ندارند و فی الواقع خود مانع اند! این حرکت پرچم آزادی و برابری و رهایی از بردگی مزدی، مشقات، بی حقوقی و جنگهایش را لازم دارد. اینرا تنها کمونیسم کارگری مارکس و بیان شفاف و امروزی اش توسط منصور حکمت، ارائه داده است. کارگران جهان متحد شوید! این فراخوان مارکس در ۱۵۵ سال پیش، اکنون دستکم ۱۵۵ بار بیشتر صحت دارد. اگر آنوقت بزحمت چند ده میلیون کارگر (به معنای مدرن آن) در جهان وجود



مصطفی صابر جمهوری اسلامی اتمی؟!؟

یکشنبه گذشته خاتمی اعلام کرد که رژیم اسلامی خود قادر به تولید اورانیوم و غنی کردن آن است. در هر شرایط دیگر این اظهارات به مرخصی موقتی جمهوری اسلامی از "محور شر" پایان می داد. اما رئیس سازمان سیا چند روز بعد ضمن اظهار نگرانی از قصد جمهوری اسلامی برای ساختن بمب اتم با آرامی اعلام کرد که منتظر بازدید بازرسان سازمان ملل، که قرار است آخر همین ماه به تهران بروند، خواهد ماند. این صفحه ۶

ضرورت انقلاب در ایران

نیما کافی - از تهران

جمهوری اسلامی با سرنوشتی مواجه

است. دو آلترناتیو اصلی جامعه دو پاسخ متفاوت به شرایط کنونی میدهند. یکی



افشای رژیم سنگسار و اعدام در پارلمان انگلیس

اسلامی در نتیجه مبارزات ما از اجرای سنگسار موقتا عقب نشسته است اما مبارزه ما تا لغو کامل این قانون ضد انسانی ادامه خواهد داشت. مریم نمازی به موج جدید اعدام ها در ایران اشاره کرد و گفت هدف رژیم از این اعدام ها ایجاد جو رعب و وحشت به امید عقب راندن

هفته گذشته مینا احدی هماتنگ کننده کمیته بین المللی علیه سنگسار، مریم نمازی مسئول کمیته علیه اعدام در ایران (که هردو عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران هستند) بهمراد بهرام سروش مشاور کمیته مرکزی حزب در پارلمان انگلیس حاضر شدند. مینا احدی به مباحثات دول غربی از جمله دولت انگلستان با جمهوری اسلامی اعتراض کرد. و گفت گرچه جمهوری

بهرام مدرسی

انسانیت یا ناسیونالیسم؟

صفحه ۲

اسد گلچینی

روابط جنسی: آزادی یا جرم!؟

صفحه ۳

نامه های شما

صفحه ۶

اسلام، ائمه، اعلیحضرتها

ایمان شیرعلی

iman_shirali@yahoo.com

به سقوط رژیم متعفن اسلامی نزدیک میشویم. سران آن باید در دادگاههای مردمی محاکمه شوند. باید پاسخگوی دهها سال جنایت باشند. شاید هنوز در صفحه ۲



آزادی، برابری حکومت کارگری!

انسانیت یا ناسیونالیسم؟ مینا چیست؟ بهرام مدرسی

دوست عزیز! با اشاره به بخش "رغمتم‌ملی" از برنامه یک دنیای بهتر، سوال کرده‌است:

اگر قرار باشد که کردستان جدا شود و یک کشور مستقل بشود، پس در واقع ایرانی باقی نمی‌ماند که ما بخواهیم در آن زندگی کنیم. یعنی اینکه اگر فرزندی داشته باشیم، فقط میتوانیم در کتابهای تاریخ نشان دهیم که ایرانی بودن یعنی چه و اینکه زمانی کشوری بنام ایران وجود داشته است. پس ایران باید همیشه ایران بماند.

اساسی‌ترین مسئله در این رابطه جواب به یک سوال ساده است. مینا چیست؟ انسانیت یا ناسیونالیسم؟ نقطه حرکت کمونیسم کارگری انسانیت است. ما انسانیت را پیش از هر فاکتور دیگری مبنای وجود و زندگی مشترک انسانها میدانیم.

میتوان انسانها را براساس ملیت، زبان، رنگ پوست، جنسیت و مذهب تقسیم کرد. انسانها مستقل از خواست خود در محدوده معین جغرافیایی به دنیا می‌آیند. کودک متولد شده بدو انسان است، نه ملیتی دارد، نه زبان معینی و نه مذهب یا تمایلات سیاسی معینی، اگر میخواهیم که زندگی انسانی و برابر ایجاد کنیم، باید به این مینا باز گردیم. مبنای زندگی و رابطه انسانها با یکدیگر را هر چیز دیگری بجز این قرار ندهیم، آنوقت از ابتدا این رابطه و این زندگی مشترک را بر اساس نابرابری و فشار تعریف کرده‌اید.

تقسیم انسانها بر اساس ملیت، یعنی حقی بیشتر برای کسانی که در محیط جغرافیایی معین به دنیا آمده‌اند و در آن چهارچوب "ملی" قرار میگیرند از یکطرف، و حق کمتر کسانی که جزو این چهارچوب و این "ملیت" قرار نمیگیرند، از طرف دیگر، این عین واقعیت است. ایرانی بودن قرار است امتیازات برتری نسبت به غیر ایرانیان را تضمین کند، همانطور که ترک بودن قرار است همین امتیازات را برای "ترکها" در ترکیه تضمین کند. به همین شکل "آمریکایی" بودن یا "اروپایی بودن" و غیره. تقسیم انسانها بر اساس مذهب هم به همین شکل. این لاف‌لر در جمهوری اسلامی دیگر باید روشن کرده باشد که تاکید بر "مسلمان بودن دولتی یا جامعه‌ای مساوی با حق کمتر و تحت فشار قرار گرفتن غیرمسلمانان" آنجا است. این فکر میکند که جای اثبات نداشته باشد. همین بلا را

ملیت و ناسیونالیسم بر سر زندگی مشترک انسانها می‌بازد. فارس علیه ترک، ترک و فارس علیه کرد، کرد و ترک علیه فارس، و غیره. این گردابی است که نتیجه‌ای جز ایجاد نفرت و انزجار انسانها نسبت به یکدیگر ندارد.

مینا چیست؟ انسانیت یا ملیت؟ ما در برنامه یکدنیای بهتر در بخش "رفع



ستم ملی این هويت انسانی را در صدر برخوردمان با مسئله ملی قرار داده‌ایم:

"رفع ستم ملی حزب کمونیست کارگری برای رفع کامل هرنوع ستم ملی و هرنوع تبعیض و برحسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت مبارزه میکند. حزب کمونیست کارگری هويت ملی، عرق ملی و ناسیونالیسم را افکار و تمایلاتی بسیار عقب مانده، مخرب، و مغایر با اصالت انسان و آزادی و برابری انسانها میدانند و با هرنوع تقسیم بندی ملی ساکنین کشور و هرنوع تعریف هويت ملی برای مردم قاطعانه مخالف است. حزب کمونیست کارگری خواهان برقراری نظامی است که در آن کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خوش، اعضای متساوی الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع تبعیضی چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیتهای خاص معمول داشته نشود. حزب کمونیست کارگری تلاش برای جایگزین کردن هويت طبقاتی و انسانی عام و جهانی کارگران بجای هويت ملی را یک وظیفه حیاتی خود میدانند" (از برنامه یک دنیای بهتر)

اگر میخواهیم که فرزندانمان در محیطی انسانی، محیطی بدور از نفرت ناسیونالیستی، مذهبی، جنسی و یا نژادی بزرگ شوند، باید خواهان جامعه‌ای باشیم که در آن مینا هويت انسانی و نه هیچ چیز دیگری است. اگر مفتخر به "ملیت" خود هستیم، اگر مفتخر به "مذهب" و یا رنگ پوست خود هستیم و میخواهیم که همه این "افتخارات" را به فرزندانمان منتقل کنیم، کاری جز ایجاد نفرت، خشم و نابرابری در زندگی آینده کودکانمان نکرده‌ایم. بیادآورید که حضور در یوگوسلاوی سابق تفنگ دست کودکان صرب و کروات دادند تا هم‌محله‌ای‌های خود را بکشند، فقط به این دلیل "ساده" که اتفاقا در خانواده‌ی صرب یا کروات متولد شده بودند. ناسیونالیسم خوب و بد وجود ندارد.

برای جلوگیری از چنین تراژدی‌های خونینی باید مینا را هويت انسانی قرار داد. بشریت راه دیگری بجز بربریت ناسیونالیسم برای زندگی مشترک خود دارد، به شرط آنکه هويت انسانی خود را مبنای روابطش قرار دهد و این مبنای حرکت ما در برخوردمان با مسئله ملی است:

جوانان کمونیست

"بعنوان یک اصل عمومی، حزب کمونیست کارگری خواهان زندگی مردم منتسب به ملیتهای مختلف بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوبهای کشوری بزرگتر است که سازمانیابی صفهای قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل میکند. با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخصصات میان مردم منتسب به ملیتهای مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوبهای کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت میشناسد." (از برنامه یک دنیای بهتر)

اگر مردمی در محدوده جغرافیایی معینی خوشبختی خود را در ایجاد کشور مستقل خود میبینند، نباید به خاطر "ایران بزرگ" مانع آن شد.

در رابطه با مسئله کرد در برنامه یک دنیای بهتر آمده است که:

"نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خوین خواستهای حق طلبانه و جنبشهای اعتراضی و خودمختاری طلبانه در کردستان ایران در رژیمهای سلطنتی و اسلامی، حزب کمونیست کارگری بعنوان یک اصل، حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق یک پروسه انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت میشناسد و هرنوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قویا محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری خواهان حل فوری مساله کرد در ایران از طریق برگزاری یک فرآیند آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی است. این فرآیند باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در فرآیند، انجام شود." (از برنامه یک دنیای بهتر)

اگر مینای ما همان هويت انسانی باشد، راه حل برای این مسئله چه چیز دیگری جز این خواهد بود که مردم در کردستان آزادانه درباره آینده خود تصمیم بگیرند؟ هر راه حل دیگری، چه خودمختاری و چه اجبار مردم کردستان به قبول قدرت در کردستان و رواج نفرت و کوروت میان کرد و فارس، میان مردم کردستان و دولت مرکزی، نخواهد بود. زندگی داوطلبانه و آزادانه مردم کردستان در چهارچوب ایران تنها راه تضمین زندگی صلح‌آمیز در ایران خواهد بود. اجبار مردم کردستان به زندگی در چهارچوب ایران، از یکطرف زندگی صلح‌آمیز میان انسانهایی که بطور اتفاقی در تهران یا سنجند متولد شده‌اند یا کنار میگذارند و از طرف دیگر بهانه‌ای برای احزاب و جریان‌های ناسیونالیست کرد و فارس خواهد بود که کل فضای سیاسی کردستان و ایران را معطوف به این مسئله بکنند.

طرحهایی که تحت عنوان خودمختاری از طرف احزاب ناسیونالیست اعلام میشوند هم چیزی جز رسمیت دادن به دو نوع زندگی و دو نوع "حق" در چهارچوب ایران

نیستند. ما خواهان زندگی داوطلبانه و آزادانه و برابر همه شهروندان در ایران هستیم. این طرحها اما این نابرابری‌ها را رسمیت داده و دائمی میکنند. به همین جهت ما مخالفت خود را با طرحهایی که تحت نام خودمختاری ارائه میشوند را در برنامه یک دنیای بهتر چنین اعلام کرده‌ایم:

حزب کمونیست کارگری طرح های مختلف خودمختاری کردستان را که از جانب نیروهای خودمختاری طلب در کردستان ارائه میشود را نه فقط گامی به پیش در امر حل مساله ملی کرد تلقی نمیکند، بلکه آنها را نسخه‌ای برای دانسی کردن هويت های ملی کرد و غیر کرد در یک چهارچوب کشوری واحد، ابدی کردن و قانونیت بخشیدن به جدایی های ملی و زمینه‌ای برای تداوم تخصصات و کشمکشهای ملی در آینده ارزیابی میکند.

اسلام، ائمه، اعلیحضرتها

از صفحه ۸

میانشان باشند دیوانگانی مفتخر به اذعان به این امر که هرچه کردند در راه برای اسلام بوده است. که راست میگویند. برای کسی که مغرضانه به آنچه این سرداران اسلام، این حافظین ثارالله و ناجیان طریق الله بر سر جامعه آوردند ننگرسته، بدیهیست ماهیت این قشون صاحب الزمان!

در این میان هذیانهای آنان که امروز این رژیم را اسلامی نمیدانند، که هنوز با اواد اسلامی فریاد "المیشاق" سر داده اند، که آگاهانه با اسلام لاس میزنند و ماهرانه از طناب "دیانت اسلام" بالا میروند، چه مضحک می نماید! جامعه را به کودنی خود پنداشته لاشه متغنی را به جامعه و به جوانان این جامعه تعارف میکنند! آنچه تاریخ به بیرون قی کرده اینها حلوا حلوا می کنند! باید به آنها گفت که این تحفه ارزانی خودشان است.

در طی این سالها اگر در این رژیم انسانی را سنگسار کردند، اگر سر از بدن کمونیستی جدا کردند، اگر زندانی را هفته ها قیانی کردند، اگر انسانها را زنده به گور کردند، اگر به زنی قبل از اجرای اعدام تجاوز کردند، اگر چشمی از حدقه بیرون آوردند، اگر سری را از پشت با شمشیر به عمد کند آرام آرام برینند، اگر لیان زنی را با تیغ چپانده شده در دستمال کاغذی برینند، اگر اوپاشان شان را به اسید پاشی به صورت زنان گماردند، اگر دستی برینند، اگر زبانی از حلقوم بیرون کشیدند، پوست زندانی را اتو کشیدند، اگر جوانان را در خیابان بی محابا شلاق زدند، اگر زندانی را مجبور به خوردن مدفوع خویش کردند، اگر تا رختخواب مردم برایشان قانون گذاشتند، اگر توضیح المسائل نوشتند، اگر "یا روسری یا توسی" را بر نیمی از جامعه تحمیل کردند، اگر جوانان را به روی میدانها مین فرستادند، اگر دستشان رسید از ختنه دختران ابایی نکردند، اگر نوجوانی را به جرم خوردن روزه در حیاط مدرسه فلک کردند، اگر آزادخواهان را از دم تیغ گذرانیدند، در گورهای گروهی دفن کردند و بستگانشان

حزب کمونیست کارگری هرنوع ترتیبیاتی در مورد آینده سیاسی کردستان را که بدون مراجعه به آراء عمومی خود مردم کردستان و صرفا بر مبنای تصمیمات دولت مرکزی و یا توافقات از بالا میان دولت و احزاب محلی به اجراء گذاشته شود، فاقد مشروعیت و غیرقانونی میدانند. " (از برنامه یک دنیای بهتر)

مینا را هويت انسانی قرار دهیم و به فرزندانمان نشان دهیم که میشود انسانها صرفا به همین دلیل ساده که انسانیتشان را بالاتر و بالاتر از هر چیز دیگری قرار میدهند، آزادانه و داوطلبانه با یکدیگر زندگی شاد و بدور از نفرت ناسیونالیسم داشته باشند. بگذارید افتخار به ایران و ایرانی بودن را در کتابهای تاریخ نشانان دهیم. گذشتگان به اندازه کافی زجر جنگها و "افتخارات" پادشاهان و میلیون را کشیدند. حق فرزندان ما قطعا زندگی دیگری است.

را به باد کتک گرفتند، اگر انسانی را با تانک له کردند، اگر جامعه ای را به خاک و خون کشیدند، اگر پدری بودند که تیر خلاص را به شقیقه فرزندان خالی کردند، اگر "علی وار" آتقدر کشند تا بلکه "علی وار" تا زانویشان خون بالا بیاید، اگر "محمودار" زنان را برده اعلام کردند و "محمودار" به دختران ۹ ساله تجاوز کردند و اگر و اگر و اگر چنین و چنان کردند، برای این بود که خواستند به دستورات قرآن عمل کنند! خواسته اند قوانین جامعه ای که بر آن حکومت میکنند طبق اراجیفی باشد که در قرآن آمده. بربریتی که انسان با شنیدنش احساس انزجار میکند!

آنچه این بیست و چند سال بر آن جامعه حاکم بوده ریشه هر اومانیسمی را در جا می خشکاند. جریانی که با افتخار مطرح میکند که ریشه در این کثافت، یعنی اسلام، دارد که آنرا نه تنها محترم بلکه از ارکان حکومت مطلوب مورد نظرش بر میشمارد، از هم اکنون جامعه و جوانان خرافه ستیز آترا به مصاف طلبیده است!

آنچه می بایست به جامعه بازگردانده شود، تمدن است. تمدنی که ضامن آزادی، برابری، رفاه و خوشبختی انسانها باشد. جامعه آرزوی سالیان بینی تعظیم مقابل فلان اعلیحضرت و بهمان عالیجناب را در سر نپوراندند! تنها جنبشی که میتواند پرچم اومانیسم، سکولاریسم و مدرنیسم را بلند کند، که انسانها را نه گوسفند و نه رعیت بداند، نه ریشه در ناسیونالیسم و قوم پرستی فرتوت داشته باشد و نه آزادی را به امنیت ملی" و "تمامیت ارضی" مشروط کند، جنبشی است که اساس آن انسان، تاریخ شکست نخوردگان" (۱) و افقش ساختن دنیایی بهتر است. به گل سرسبد این جنبش به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

۱. اشاره به "تاریخ شکست نخوردگان" اثر منصور حکمت است. مقاله ای از ارزنده در باره انقلاب ۵۷ که میتوانی در سایت بنیاد منصور حکمت مطالعه کنید.

دختر و پسر و زن و مرد با هم مشغول کار و زندگی باشند، آیا هر ازدواج و طلاق و دوستی و رابطه ای دارای مبنای واقعی و انسانی تری نخواهد بود؟ چنین نسلی از جوانان که فردا فرزندانشان را با تربیتی این چنینی بار بیاروند آنگاه جامعه انسانی تر و آزادتری خواهند ساخت؟ آیا رابطه جنسی نزد چنین نسلی دیگر آن جایگاه کنونی را خواهد داشت که روابط جنسی و سکس تبدیل به اسرار مگو و تابو شده است؟ فکر نمیکنید که در چنین جامعه ای و در میان چنین فضایی زندگی کنند، در مدرسه و دانشگاه و اداره و کارخانه و کارگاه و خانواده،

حاکمان قرار دهید؟ بنظر من آزادی انسان از هر لحاظ و از جمله آزادی روابط دوطرفه جنسی نشانه ای از جامعه ای دارای ارزشهای انسانی است. به نظر من در روابط خصوصی و زندگی شخصی مردم هیچ قانون و مرجع و همسایه ای حق دخالت نباید داشته باشد و دخالت کردن را باید جرم تلقی کرد. شما تصور کنید که همین امروز جامعه ما و یک نسل که الان ۱۶-۱۵ ساله هستند با این آزادی های مندرج در برنامه دنیای بهتر روبرو شوند و در چنین فضایی زندگی کنند، در مدرسه و دانشگاه و اداره و کارخانه و کارگاه و خانواده،

ممکن کرده است و شما با قبول نظرات و همراهی شدن با جنبش ما میتوانیم این را شریک شوید. محدود کردن و محدود نگاه داشتن مردم در چهارچوبی که مذهب و یا اخلاقیات و سنتهای گذشته دور مقرر کرده است اشتباه است، جمهوری اسلامی این قوانین را دارد و بر این اساس با مردم رفتار میکند. نگاه مذهب به انسان و بویژه به زن تماما ارتجاعی و شیعی است. نگاه مذهب به زن نگاه پدر و شوهر و برادری است مردسالار، ناموس پرست و بشدت تحقیر آمیز و اگر بخشی از مردم نیز تحت تاثیر این افکار هستند پاک کردن آن هم وظیفه ماست و به هیچ عنوانی ما را برابر آن کوتاه نیامده و یا تسلیم هیچ شکلی از آن نخواهیم شد.

بر خلاف نظر شما که موافق ممنوع کردن و قابل مجازات کردن آزادی روابط جنسی هستید، من فکر میکنم باید هم طرفدار آزادی روابط دوطرفه جنسی افراد بزرگسال باشیم و هم قانون را حامی مردم بکنیم و هم هر تعرض و ایجاد مشکلاتی برای مردم در این رابطه را جرم بشناسیم. بنظر من هر گونه محدود کردن آزادی های فردی و مدنی مردم (که در دنیای بهتر آن را برشمرده ایم) منجر به سرکوب و کشتار و زندان و اعدام و سنگسار (مجازات های مشابه!!) خواهد شد. دقت کنید که چه مصیبت هایی برای روابط آزاد انسانها با هم در این جامعه تحت حاکمیت اسلام و سنت و اخلاقیات عقب مانده وجود دارد. به آمار کشته شدن ها و خودکشی و خودسوزی ها که عمدتاً از میان زنان (است) نگاهی بکنید چرا اینطور است و چرا مردم مجبور به این وضعیت شده اند؟ راستی هزاران و هزاران بچه دستفروش و سرگردان و دور از تحصیل و دور از محیط امن و شاد چه دلیلی دارد؟ دلیل اینها و نگرانیهای شما ریشه در وضعیت سیاسی و اقتصادی در این مملکت دارد. باید سراغ ریشه مشکلات رفت و اینها را دگرگون کرد. (یعنی سرمایه داری را از بین برد). اما اگر شما برای حل این مشکلات خانواده و کودکان، به آزادی مردم حمله کنید نه فقط آن مشکلات را حل نکرده اید که حتی شرایط حل آنها را هم از بین برده اید.

به روابط انسانها باید از زاویه نیاز های انسانی نگریست و زاویه دید مذهب و اخلاقیات مذهبی و سنتی را بلور پرت کرد. به انسان باید به عنوان انسانی که باید از تامین زندگی خوب و مرغه و امن برخوردار باشد نگاه کرد. او باید در هر زمینه ای آزاد باشد و نباید اندیشید که در چنین شرایطی مردم از سر و کول هم بالا خواهند رفت. این حرف حاکمان و استثمار گران است که آزادی را بر مردم حرام میدانند. تحصیل رایگان برای همه کودکان و طب رایگان و مسکن مناسب و تامین زندگی و برخورداری از همه آزادیها و کوتاه کردن دست مذهب از سر مردم و از آموزش و پرورش و ممنوعیت دخالت در زندگی خصوصی مردم و... همه زمینه ساز یک زندگی خوب و امن و آزاد خواهد بود. به من بگویید آیا میتوانیم مردم را از غذا خوردن و آب نوشیدن ممنوع کنید اگر پاسخ منفی است پس چگونه میتوانیم نیازهای جنسی مردم را ممنوع کنید و یا تحت قوانین و اخلاقیات بشدت گنبدیه و متعفن

روابط جنسی: آزادی یا جرم؟!



اسد گلچینی

دوست عزیز نرگس از تهران نوشته اند:

از نظر شما روابط آزاد جنسی جرم نیست به نظر من هست. به نظر من سقط جنین جرم و هر چند بنا به دلایلی بعضی ها به این کار مبادرت میکنند ولی نباید این عمل را رسماً آزاد اعلام کرد.

البته در جامعه ای که عمل جنسی مجاز باشد خوب باید هم سقط جنین رو مجاز اعلام کرد چون در غیر این صورت زنها با این همه بچه که رو دستشون میمونن هیچ کاری جز سقط جنین ندارند و یک دلیلی که نباید روابط جنسی آزاد جنسی مشروع نباشه همینیه.

دومین دلیل مسلمش خانواده است. میدانید در جامعه ای که هر مردی مجاز با هر زنی رابطه داشته باشد و بالعکس هر زنی با هر مردی که دوست داشته باشد آنوقت چی بر سر خانواده میاید؟ آیا کسی حاضر با کسی ازدواج کند؟ آیا کسی حاضر است مسولیت تک زندگی را بپذیرد؟ و در این بین تکلیف بچه ها چی میشود؟ در خانه ای که مادر دنبال عیاشی خودش و پدر هم همینطور چه کسی مسولیت تربیت فرزندان رو بعهده میگیره؟

نرگس عزیز خیلی متشکر از اینکه سوالات را با ما در میان گذاشته ای. همان طور که برای نوشته بودم نکاتی در رابطه با این سوالات و نقطه نظرات میتونم. این نکات را برای رفیق مصطفی صابر هم میفرستم تا اگر مناسب دید در نشریه جوانان کمونیست به چاپ برساند. مشتاق شنیدن نظرات تو و دیگر دوستان هستیم.

ببینید برنامه ما برای اداره جامعه از هر لحاظ با حاکمیت جمهوری اسلامی و استبداد در تناقض است و در این موارد هم که تو نوشته ای همینطور است. برنامه و جنبش ما برنامه و جنبش مردم آزاد و برابری طلب است و ما رفاه و آسایش و امنیت را برای تک تک مردم و جامعه میخواهیم، از هر لحاظ، از لحاظ اقتصادی و برخورداری از همه امکاناتی که جامعه دارد و موجب زندگی و کار برابر برای همگان باشد و این یعنی آزادی و رهایی از همه مصیبت هایی که دارند. و یعنی آزادی و رها از همه قید و بند و محدودیتهایی که جلو سعادت و رفاه و آزادی تک تک افراد جامعه وجود دارد. در این جامعه مورد نظر ما اکثریت محروم مردم بنده و اسیر سرمایه نیستند و خود سرنوشت خود را رقم میزنند. همه نیازهای جامعه را خود تصمیم میگیرند تولید کنند و استثمار و محدودیت برای آزادیهای فردی و مدنی در این جامعه جرم خواهد بود. مبارزه امروز ما برای تحقق این آرزو و اهداف مردم است.

ضرورت انقلاب در ایران

از صفحه ۸

تنگنای اقتصادی

جوان کتابهای گارسیا مارکر و "مارکوت بیگل" را میخواند اما "شاهنامه فردوسی" فروش ندارد. در کیف پولش عکس "جنیفر لویز" و "تام کروز" است ولی از "علی و فاطمه" خبری نیست.

جمهوری اسلامی در برابر بحران فرهنگی اش راه حلی ندارد. و هرگونه کوتاه آمدنش به معنی قیچی شدن تمام و کمال ارزش های تحمیلی اش بر جامعه است.

ضرورت انقلاب ساختار شکن
با توجه به موارد فوق لزوم تحقق یک انقلاب همه جانبه ضروری می نماید. این انقلاب باید در تمام عرصه ها اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره صورت گیرد.

هر گونه اقدامی که انقلاب همه جانبه مردم را به تغییر در بالای هرم و زد و بند سیاسی تبدیل کند و اعمال اراده مستقیم مردم را محدود کند به معنی طفره رفتن از همه جهات انقلاب (خصوصاً بعد اقتصادی و فرهنگی آن) است.

دلیل اصلی مخالفت اردوگاه راست اپوزیسیون (مثلاً سلطنت طلبان) با جمهوری اسلامی، ریشه های فقر و فلاکت مردم نیست. آنها میگویند که جمهوری اسلامی مناسبات اقتصادی را به "درستی" اجرا نمی کند. از نظر آنها ساختار کنونی مشکلی ندارد بلکه به درستی کار نمی کند!

در حکومت به اصطلاح "دمکراتیک" آنها آزادی بی قید و شرط سیاسی حتی برای مصرف تبلیغاتی هم مضر است چرا که منافع حکومت سرمایه را به خطر می اندازد. در منطق اینها تظاهرات و اعتصاب کارگران برای احقاق حقوقشان، آشوب طلبی و خشونت مداری نام دارد. و اعتراضات کارگری در رسانه هایشان بازتاب کمی دارد و یا اصلاً منعکس نمی شود.

به همین دلیل شعارهایی از قبیل "فراندم، نافرمانی مدنی، اتحاد و غیره که همه بر دور زدن مبارزه انقلابی و مستقیم مردم استوار است میتواند نشانگر دو چیز باشد: ریاکاری برای فریب مردم یا کودنی سیاسی.

تنها راه برای برون رفت از این وضعیت انقلاب همه جانبه مردم است. این انقلاب باید به زیر و رو کردن تمام ساختارهای کهنه اجتماعی منتهی گردد. و اگر میخواهیم که تجربه تلخ انقلاب پیشین را تکرار نکنیم، باید پرچمدار این انقلاب آلتزناتیو چپ جامعه گردد، این آلتزناتیو را ما نمایندگی میکنیم.

حاکمیت کنونی نماینده تمام عیار یکی از عقب مانده ترین مدل های اقتصاد سرمایه داری است. که در آن به جای حکومت شرکت های فراملیتی، سکان اقتصاد در دست اختاپوس های سرمایه داری است که بخشی ارکان حکومت، و بخشی وابستگان به حکومت هستند. سیستم اقتصادی ایران، حکومت "حاجی بازاری" ها است.

عیب بزرگ این سیستم در برابر سیستم سرمایه داری غربی در این خلاصه میشود که در غرب به علت وجود سنسنگاهای کارگری نرم متوسط زندگی کارگری به یک حلقه ای برای زندگی رسیده است. و این قطعه نشانه عشق سرمایه دار به کارگر نیست. بلکه حداقل چیزی است که موجب گسست شیره از جامعه سرمایه داری نشود. اما سیستم اقتصاد حاجی بازاری ها این نرم را به رسمیت نمی شناسد (و نمی تواند بشناسد) و حداکثر رفاه طبقه کارگر چیزی جز فلاکت و بدبختی نیست.

به همین جهت سرکوب در کوتاه مدت میتواند اعتراضات را خاموش کند، اما جنبش سرنگونی طلب در نهایت به سرنگونی سیستم پر از تناقض و تضاد سرمایه داری منتج میشود.

رنسانس فرهنگی

این جامعه در حال یک تغییر بنیادین فرهنگی است. در این جامعه ارزش ها دارد زیر و رو میشود. در این وضعیت قرار نیست که "فرهنگ راستین" شرق اصلاح شود، یا اینکه شکل جدیدی از فرهنگ سنتی باز تعریف شده و به جامعه القاء شود. ما با یک انقلاب در ارزش ها مواجهیم. به این معنی که در جامعه تعاریف از خوب، بد، اخلاق، عشق، هنر و غیره در حال تغییر است. رنسانس اینجاست. این وضعیت تماماً حاکی از این حقیقت است که عمومیت جامعه در حال تغییر شکل از فرم سنتی - به فرم مدرن است.

خواسته های این جامعه (خصوصاً نسل جوان) بر سر چانه زدن در مورد "میزان حجاب" و یا "اسلام واقعی" نیست. خواسته هایش نماینده نهایت ماکزیمالیسم سیاسی و اجتماعی است. به همین جهت با پدید آمدن "الگوهای سنتی" مواجه هستیم. با وجود تمام تلاش های جمهوری اسلامی برای جلوگیری از این سیل، نسل

جمهوری اسلامی اتمی؟!

واقعی باشد، صرفا برگی در بازی دیپلماسی بین المللی نیست، بلکه وجه اصلی آن رویه مردم و برای حفظ موقعیت شکننده داخلی است. با اعلام این فتوحات اولاً آنها میخواهند قند در دل انواع ناسیونالیستها آب کنند. چرا که اینها "ایران اتمی" را مستقل از اینکه چه جانورهایی در قدرت باشند، برای "امنیت ملی" مثبت قلمداد میکنند. اسلام دیگر کار نمی کند، اتم و "امنیت ملی" شاید کار بکند! مهمتر، اعلام فتوحات اتمی قرار است که مردم را بترساند. قرار است چنین وانمود کند که رژیم اسلامی محکم سرجایش است.

ولی رجز خوانی اتمی خاتمی تنها میکوشد ترس و وحشت سران جمهوری اسلامی را بپنهان کند. همه کس میداند که جمهوری اسلامی در حلقه اعتراض مردم دوام زیادی نخواهد آورد. (حتی رئیس سازمان سیا هم در همان سخنرانی اش به صراحت میگوید که این رژیم ممکن است با یک بحران سریع و شکننده روبرو شود.) به اعتصابات لاینقطع کارگری در ماههای اخیر نگاه کنید. اینها قهرمانان انقلاب ملاحور شده ۵۷ هستند که اینبار آماده تر و تحت پرچم حزب شان به میدان خواهند آمد. (جالب است که برای مثال در همان روز ۲۱ بهمن در تبریز کارگران اعتصابی سینه در برابر سرکوبگران رژیم اسلامی سپر میکنند.) به جنبش زنان نگاه کنید: از هم اکنون آماده برگزاری هشت مارس روز جهانی میشود. به وحشت عمیق رژیم از جوانان نگاه کنید: حکومت ماتم چهارشنبه سوری را از همین حالا گرفته است و برای مرعوب کردن مردم هر روز چوبه دار بالا میبرد.

رجز خوانی اتمی جمهوری اسلامی و دیگر تلاشهای دیپلماتیکش همه از سر ترس و وحشت و تقلا برای بقاء است. اگر این رجز خوانی پیامی داشته باشد اینست که مردم نباید چشم انتظار تحول از بالا بنشینند. نباید اجازه دهند اوضاع جنگی به عمر رژیم اسلامی بیفزاید. ناجی ای در کار نیست، خود مردم میتوانند خود را نجات دهند. باید حول پرچم کمونیسم کارگری به میدان بیایند و برای همیشه خود و دنیا را از کابوس جمهوری اسلامی رهایی بخشند.

جوانان کمونیست

نامه های شما

برایمان نظرات و پیشنهاداتتان را بنویسید. هیچ نامهای بی جواب نخواهد ماند. برای ارتباط با من میتوانید از آدرسهای پستی و ششاهنگهایی که در این نشریه آمده است و یا از آدرس مایل bahram-modarresi@web.de استفاده کنید.

بهرام مدرسی

- دوست عزیز م ک ، نامحای شما به دستمان رسید. در رابطه با سوالی که

"ای" و ناسیونالیستها

اخیرا آقای ابراهیم حامدی ("ای"، خواننده معروف)، در نامه ای سرگشاده به سلطنت طلبان گفته که رژیم سابق قابل بازگشتن نیست. سلطنت طلب ها به ایی گفته اند که او "وطن فروش" است و "خلیج فارس" را دوست ندارد. ایی در جواب میکوشد روشن کند که ایران دوستی تیول سلطنت طلب ها نیست و ایی ایران و مردم اش را همواره دوست داشته و دارد. ایی در مقابل ناسیونالیسم پروغری سلطنت طلبان (که بدست پشتیبانی آنها از جنگ آمریکا در خاورمیانه را نقد میکند) گرچه در جایی از "جهان وطنی"



داشتید در همین شماره جواب داده شد است. بازم برایمان بنویسید. - دوست عزیز حامد را در تهران، انتقاداتان به نوشته "فلج شد" در شماره ۷۵ نشریه بطور خلاصه توجه تان را به این نکته جلب میکنیم که فراخوان به سربازی نرود، یا شوراها را سربازان را طرح کنید، بعنوان امری که همین امروز الزاما بلافاصله ممکن است طرح نشد. بلکه بعنوان یک جهت گیری طرح شد. همچنانکه برای مثال سرگونی جمهوری اسلامی را طرح میکنیم، بالاخره روزی و هر چه زودتر بهتر، باید جمهوری اسلامی را سرگون کرد. روزی و هرچه زودتر بهتر، باید از رفتن به سربازی امتناع کرد و اجازه نداد که کسی ناخواسته و از روی اجبار به پیچ و مهره های ماشین دولتی

بودن صحبت میکند اما در مجموع یکتووع دیگر از وطن پرستی میگذارد: آقایان و خانمهای وطن پرست فرصت طلب! باور کنید شاه مرده است، به خاک سپرده شده است. ایران اما مانده است، زنده است و می ماند! ایی به وطن پرستی حضرات انتقاد ندارد، به اینکه "فرصت طلب" هستند انتقاد دارد. به اینکه وطن پرستی آنها مثل رژیم سابق به رنج و پدبختی مردم و آزادی کشی و "توکری بیگانگان" تمام میشود انتقاد دارد.

آقای ایی! در مورد سلطنت طلب ها خیلی چیزها را درست میگویید، اما وطن پرست "واقعی" و غیر فرصت طلب و غیر توکر بیگانگان" هم بالای بدتری از ناسیونالیسم شاهنشاهی بر سر مردم آورده است. "وطن پرستی خلقی و مردمی خانواده فدایی - توده ای و یا نمونه های منجی آن (امجاهلین، شریعتی ها و غیره) و یا وطن پرستی امثال مصلق و جبهه ملی همه پرونده های سنگینی دارند. برای مثال همین نوع ناسیونالیسم های اپوزیسیون شاه بودند که با شعار "استقلال" شیره جمهوری اسلامی را بر سر مردم مالیدند و یک فاکتور اصلی در ساقط کردن انقلاب عظیم ۵۷ بودند.

بیاید مثل ما کمونیستها صراحتا اعلام کنید هر نوع ناسیونالیسمی ارتجاعی و ضد مردمی و فرصت طلب است. بیاید اعلام کنید که تنها اتحاد، انترناسیونالیسم و نوع دوستی کارگری و سوسیالیسم انسانی منصور حکمت راه نجات مردم ایران است. مگر خودتان بدست نمی گوید: که هیچ آب و خاکی بی حضور انسان به پشیزی نمی ارزد.؟"

طول موج رادیو انترناسیونال

د برنامه های رادیو انترناسیونال، روی طول موج زمستانی ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز ساعت ۹ شب به وقت تهررا پخش میشود.

Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

| | | |
|-----------------------|--------------------|--------------------------|
| 0045 51 80 26 10 | دانمارک: | شیوا فرمند |
| 0044 776 110 66 83 | انگلستان: | سرور ملائکه |
| 0049 171 15 47 661 | آلمان: | امید چوری |
| 0046 736 50 80 40 | سوئد: | آزاد خدری |
| 001 416 69 80 358 | کانادا: | مهدی شهابی |
| 00905552048603 | ترکیه: | |
| 0046 70 48 68 647 | دبیر تشکیلات خارج: | مریم طاهری |
| 0049 174 944 02 01 | دبیر کمیته مرکزی: | بهرام مدرسی |
| 001- 416 434 15 45 | مشاور دبیر: | ثریا شهابی |
| fax:001 416 434 154 5 | آدرس پستی: | Jawanan Postfach 620 515 |

bahram-modarresi@web.de

10795 Berlin
Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر
mosaber@yahoo.com
Tel: 001 604 730 5566

از این سایت ها دیدن کنید:
www.jawanan.org
www.m-hekmat.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.medusa2000.com
www.wpiran.org
www.childrenfirstinternational.org